

تاریخچه شورا در اسلام

اصل شورا به عنوان شیوه ای قابل اجرا در مدیریت سیاسی جامعه اسلامی پذیرفته شده و بر آن تاکید شده است. در اهمیت شورا در اسلام همین بس که سوره ای در قرآن با ۵۴ آیه به نام (شوری) نامگذاری شده است.

قرآن شورا را به دو صورت معرفی می کند. یکبار، با تبیین خصایص مؤمنان و رهروان راه مکتب، اصل شورا را به عنوان یک خصوصیت جوشیده از ایمان و جامعه اسلامی معرفی می کند چنانکه در سوره شوری آیه ۳۸ آمده است:

«افراد شایسته با ایمان کسانی هستند که اجابت نمودند ندای پروردگارشان را و امورشان را بین خود به شوری می گذارند»

قرآن مجید در جای دیگر شورا را به صورت یک فرمان و دستور الهی بیان می کند، التزام به نظام شورا را بر پیامبر مقرر می دارد، بر احترام به دیدگاهها و نظارت پیروان مکتب تأکید می ورزد و آن را یکی از خصیصه های رهبری و از رموز پیروزی می شمارد. در همین زمینه آیه ۱۵۹ سوره آل عمران تصریح می دارد:

«پس به سبب رحمتی از خدا با آنان نرمی نمودی و اگر تندخوی و سخت دل بودی البته از دورت پراکنده می شوند، پس از آنان در گذر و برایشان آموزش بخواه و در امور با آنان مشورت کن، پس چون تصمیم گرفتی باید بر خدا توکل کنی زیرا خدا، توکل کنندگان را دوست می دارد».

بحث شورا در قرآن و اسلام جزو ذات دین مبین اسلام می باشد که هم قرآن و هم اسلام سرسختانه با استبداد مقابله می کنند به همین لحاظ افراد نسبت به یکدیگر برتری ندارند. از سوی دیگر شورا در چهارچوب نظریه حاکمیت مردم می گنجد که در آن هر یک از افراد مردم مساویند و بدون سلطه یکی بر دیگری، در تعیین سرنوشت خویش حسب السهم نقش تعیین کننده دارند.

در سیره و سنت پیامبر بزرگ و عظیم الشان اسلام نیز شاهد اجرای اصل مشاوره در امور مختلف به خصوص در زمان جنگ ها هستیم، به عنوان مثال در زمان جنگ احد شورای تشکیل شده نظامی با اصرار جوانان انصار که اکثریت را داشتند پیامبر به رای و نظر آنان احترام گذاردند و در بیرون از شهر مدینه به رویارویی با مشرکان پرداختند.

یا در آستانه جنگ خندق به دستور پیامبر گرامی «شورای دفاع» تشکیل شد که در آن بنا به پیشنهاد سلمان فارسی قرار شد که دور شهر مدینه خندقی حفر گردد تا جلوی تهاجم دشمن گرفته شود و پیغمبر هم این نظر را پذیرفتند.

علاوه بر پیامبر سایر ائمه معصومین نیز قول ها و احادیثی در خصوص مشورت و شورا بیان نموده اند. اما لازم به ذکر می باشد که بحث مشورت و شورا در چهارچوب مسایل حکومتی و مسایل دنیوی افراد می باشد نه در اموری که مربوط و خاص خداوند است زیرا در هیچ کجا نقل نشده است که مثلاً پیامبر در خصوص کیفیت چگونگی نماز، روزه، حج و سایر امور دینی با مردم مشورت نمایند یا شورا تشکیل دهند که محل قبله کجا باشد؟